

فرهنگستان

دانشگاه

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ | شماره ۴۴۱۴ | WWW.FDN.IR

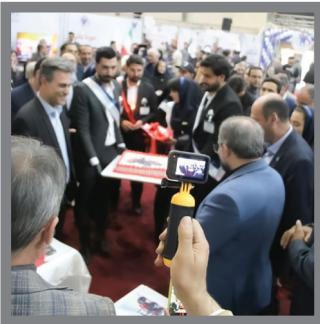
حاشیه نگاری خبرنگار «فرهیختگان»
از رویداد «عصر امید ساخت و تولید»

نبض صنعت تبریز در دست دانشگاه



«فرهیختگان» از افتتاحیهٔ هشتمین رویداد عصر امید
«ساخت و تولید و فناوری های صنعتی» گزارش می دهد

حضور شرکت های ۴۰ واحد دانشگاهی در عصر امید



«فرهیختگان» همزمان با آغاز رویداد «عصر امید ساخت و تولید و فناوری های صنعتی» گزارش می دهد

رونمایی از ۵ حلقه شبکهٔ ساخت و تولید در تبریز



ادامه از صفحه یک

بررسی نقش ایران در مقابله با تروریسم و دوگانگی سیاست آمریکا

مبارزه یا معامله؟ وعدهٔ صلح با فروش سلاح

— دیپلماسی ضد تروریسم ایران؛ از میدان تا میز مذاکره

ایران از جمله بازیگران منطقه است که در دهه های گذشته بارها قربانی اقدامات تروریستی شده است؛ با این حال از هیچ کوششی برای مقابله با این پدیده شوم دریغ نکرده و همواره بر لزوم شفافیت و صداقت در برخورد اصولی با تروریسم تأکید کرده است. جمهوری اسلامی با حمایت از دولت های قانونی منطقه، گسترش تروریسم را که بخشی از نقشه های رژیم صهیونیستی برای ناامن جلوه دادن غرب آسیا بوده متوقف کرده و به همین دلیل، بارها آماج حمله های تبلیغاتی و سیاسی معاندان قرار گرفته است. ورود مستقیم ایران به معادله امنیتی عراق و سوریه در سال های اوج قدرت داعش، بخشی از استراتژی جامع ضد تروریسم جمهوری اسلامی بود که «میدان» و «مذاکره» را در امتداد یکدیگر می دید. همراهی با ارتش های ملی و حمایت از نیروهای مردمی، در امتداد تلاش های دیپلماتیک صورت گرفت و همچنان نیز ادامه دارد. این رویکرد، تصویری واقعی از مقابله چندوجهی با تروریسم را به نمایش گذاشته و الگویی منطقه محور را به شرکای استراتژیک و همسایگان ارائه می دهد تا سیاست خارجی کشورهای منطقه به این بهانه مأموریت ورود نیروهای غربی و جولان آن ها در غرب آسیا نشود.

— سیاست دوگانهٔ آمریکا در برخورد با گروه های افراطی

در این میان، رویه ایالات متحده آمریکا در قبال گروه های افراطی — که این روزها نیز کاملاً مشهود است. همواره مبتنی بر مصلحت گرایی بوده به نحوی که سران آمریکایی هیچ یک از معیار های درج شده در حقوق بین الملل و حقوق بشری که مدعی آن هستند را مد نظر قرار نداده و نگاهشان به تروریسم را بر اساس منافع ژئوپلیتیک طبقه بندی می کنند، تا حدی که گروه های افراطی را بر اساس مصالحان سیاه و سفیدی می بینند. بعضاً به گروه هایی که قبلاً تروریست قلمداد می شدند باج داده و آن ها را متحد خود معرفی می کنند. حمایت از جهاد افغانستانی ها علیه شوروی، اعتراف آمریکا به ایجاد داعش در منطقه و همکاری با گروه های افراطی در سوریه و حمایت بی قید و شرط از رژیم تروریست اسرائیل... نمونه هایی روشن از این رویکرد دوگانه است. این رویه نه تنها موجب باز تولید افراط گرایی و بی ثباتی در جهان است که علاوه بر آن موجب بی اعتمادی جهانی به سیاست های ضد تروریسم و واشنگتن شده، بلکه امنیت بین المللی را نیز با بحران مواجه ساخته است؛ تا جایی که حتی کشورهای اروپایی نیز نسبت به بازگشت داعش به خاک خود ابراز نگرانی کرده اند.

— تروریسم رسانه ای و روایت سازی دوگانه غرب

با این حال در این میانه دولت های غربی، به ویژه آمریکا، از رسانه به عنوان سلاحی تأثیرگذار برای مهندسی افکار عمومی و مشرع سازی مداخلات خود در کشورهای مختلف بهره می برند و با روایت سازی های وارونه و معکوس، خود را منجی ملت ها معرفی می کنند، در صورتی که کارنامه سیاه ایالات متحده در زمینه دخالت های نظامی، برای جهانیان آشکار است. با این حال از طریق جنگ روانی و جرسپزینی رسانه ای، تلاش می شود نیروهای مقاومت مردمی در فلسطین، لبنان و یمن به عنوان «تروریست» معرفی شوند. این همان تروریسم رسانه ای است که در خدمت مشرع سازی سیاست های مداخله جویانه قرار گرفته و روایت های اصیل ملت ها را سانسور می کند، تا جایی که رئیس جمهور آمریکا، چشم در چشم دوربین های جهان که شاهد کشتار بی رحمانه مردم فلسطین، آوارگی آن ها و مانع از ارسال دارو و غذا به این منطقه هستند، ایران را عامل بی ثباتی منطقه معرفی کرد و خود را منادی صلح نامید. مقایسه عملکرد ایران و آمریکا در مواجهه با تروریسم، پرده از این واقعیت برمی دارد که مبارزه با پدیده شوم شکل گیری و گسترش تروریسم تبدیل به ابزاری برای تجارت، نفوذ و باج گیری سیاسی غربی ها شده است. در این میان تعجیبی ندارد که تلاش های صادقانه جمهوری اسلامی که در اندیشه آینده با ثبات در منطقه و جلوگیری از حضور بیگانگان است، به مذاق دولت های استعماری خوش نیاید و با ارتش های خصمانه و تهاجمی های بی پایه مواجه شود. بدون تردید عزم ایران در تحقق این مهم کاملاً منسجم و مستقل و مبتنی بر مصالح ملی و منطقه ای است و در مسیر دستیابی به صلح امنیتی منطقه ای هرگز مرعوب فشارهای هائوتنه چینی های تبلیغاتی نخواهد شد.

حوزهٔ علمیه و بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

محسن جوهری

پژوهشگر هسته مکتب امام خمینی (ره) مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

بدون تردید، پیام تاریخی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به همایش بین المللی یکصدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم، از زوایای مختلفی قابل مذاقه و بازخوانی است. یکی از این زوایا، نگرستن به این متن از منظر فرهنگ است. نوشتار حاضر می کوشد تا از زاویه اندیشه فرهنگی رهبر معظم انقلاب، بر فرازهایی از این پیام که نسبت وثیق تری با حوزه فرهنگ دارند تمرکز کند، تا از این مسیر، سهمی کوچک در فهم بهتر متن مورد نظر ایفا کند.

■ ■ ■

پیام اخیر رهبر انقلاب به خوبی بیانگر آن است که میان نهاد حوزه علمیه و امر فرهنگی، پیوندی بسیار مستحکم برقرار است؛ به گونه ای که «خروجی حوزه در همه سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان هاست. «دیدگاه آیت الله خامنه ای درباره چسبندگی فرهنگ نیز به گونه ای است که بر اساس آن، طبیعتاً حوزه علمیه نسبت وثیقی با فرهنگ دارد. از منظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ مجموعه «دستاوردهای معنوی یک جامعه» است. به گونه ای که گوئی فرهنگ در پی انباشت تولیدات معرفتی و اخلاقی یک جامعه، در طول تاریخ، تکوین می یابد. بر این مبنا، بی تردید پیوند حوزه علمیه — به منزله «وارث سرمایه سرگ علمی شیعه» که در بر دارنده ذخیره فرهنگی بی نظیری است و «محصول اندیشه روزی و پژوهشگری هزاران عالم دینی در دانش هایی همچون فقه و کلام و فلسفه و تفسیر و حدیث، در طول هزار سال» به شمار می آید — به عرصه فرهنگ، پیوندی ناگسستنی و غیر قابل انکار است.

جامعه ایرانی، مبتنی بر همین سرمایه فرهنگی تولید شده در نهاد حوزه، موفق به رقم زدن یک تحول عمیق فرهنگی شده و بر پایه آن، تغییرات بنیادین اجتماعی و سیاسی خود را در قالب انقلاب اسلامی محقق ساخته است. بدین ترتیب، «سرانجام همین حوزه بود که در کمتر از شش دهه، قدرت معنوی و وجهه مردمی خود را به آتجا رساند که توانست رژیم خانن و فاسد و فاسق پادشاهی را به دست مردم ریشه کن کند و پس از قرن ها، اسلام را در جایگاه حاکمیت سیاسی کشوری بزرگ و با فرهنگ و دارای همه گونه استعداد بنشاند.»

مسلماً از نهادهی که چنین نقش سرنوشت سازی را در آغاز مسیر انقلاب فرهنگی جامعه ایرانی ایفا کرده، انتظار می رود که کمکان اثرگذاری خود را در امتداد این تحول فرهنگی، در قالب فرایند «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» حفظ کرده و حتی آن را تقویت کند. اما نهاد حوزه علمیه امکان اثرگذاری بر کلامین سطوح و لایه های فرهنگ را دارد؟ کنشگری فعالانه حوزه علمیه در میدان فرهنگ، با توجه به هر یک از این لایه ها و سطوح، نیازمند چه تغییری است؟ ادامه نوشتار حاضر به تشریح این موضوعات اختصاص دارد.

بر اساس اندیشه فرهنگی آیت الله خامنه ای، فرهنگ به عنوان «روح و باطن جامعه»، مشتمل بر سه لایه «عقاید فرهنگی»، «خلقیات فرهنگی» و «فتارهای فرهنگی» است. نکته مهمی که در نسبت میان این سه سطح باید مورد توجه قرار گیرد، ضرورت وجود انسجام و هم گرایی میان آن هاست. به عبارت دیگر، ایجاد هرگونه عدم توازن و ناهماهنگی بین این سطوح، منجر به بروز تششت در ارگانیزم فرهنگی جامعه شده و پیامدهای منفی خود را بر زیست فرهنگی آن به جای می گذارد. نهاد حوزه علمیه، به واسطه پیوند ذاتی اش با مقله دین، امکان اثرگذاری بر هر سه سطح فرهنگی جامعه را به نحوی که متضمن حفظ خاصیت تعادل و توازن فرهنگ شود دارد و همین امر، بر

ارجحندی جایگاه این نهاد در ساخت فرهنگی جامعه ایرانی می افزاید.

بر اساس پیام اخیر رهبر انقلاب، حوزه علمیه برای ارتقای اثرگذاری خود بر ساخت فرهنگی جامعه، باید در نحوه کنشگری خود در دو لایه پیش (عقاید و گرایش (خلقیات) تغییراتی ایجاد کند تا از این مسیر بتواند بر کنش (رفتار) فرهنگی مخاطبان بیشتر مؤثر واقع شود. طبق

بیان ایشان در پیام اخیر، «آنچه مهم است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده های تبلیغی با واقعیت های فکری و فرهنگی در میان مردم به ویژه جوانان است... جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: تعلیم و تهذیب.»

در لایه پیش با عقاید فرهنگی، آنچه بیشترین اهمیت را دارد، بازسازی دائمی فضای فکری جامعه و نوآوری معنایی، مبتنی بر آموزه های دینی و البته متناسب با اقتضانات زمانه است. بر این اساس، انسان معاصر به دلیل مواجهه با «پدیده های پیچیده و بر تعداد در زندگی امروز»، دائماً در معرض «سؤال های بی سابقه ای» قرار دارد. در این اوضاع، از نهاد حوزه به منزله «مرکز تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی؛ از نظام سیاسی و شکل و محتوای آن، تا نظامات مربوط به اداره کشور و تا نظام خانواده و روابط شخصی»، انتظار می رود که با توجه به تغییراتی که در زاویه نگاه انسان امروزی ایجاد شده و متناسب با «عقلانیت تحول یافته نسل ها»، به عرضه معارف دینی بپردازد. آنچه از این تعبیر رهبر انقلاب مشهود است این است که از نگاه ایشان، حوزه علمیه در هم فاق شستن با نسل جدید، در نوع عقلانیت آن ها (نه صرف داده های ذهنی، بلکه دستگاه محاسباتی نسل های جدید) و سپس گشودن باب گفت و گو با ایشان دچار چالش هایی است. مسلماً راهایی یافتن از این چالش، لوازمی دارد که نخستین — و چه بسا مهم ترین — آن این است که «به نسل جوان جامعه با چشم خوش بینی نگرسته و با این نگاه با آنان تعامل شود. «صرفاً در این صورت است که حوزه می تواند با استفاده از ابزار بسیار کلیدی خود یعنی «بلاغ مبین» پیام خود را در قالب «بسته های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده ها تدوین نماید» و به آنان عرضه کند. چنانکه پیش تر اشاره شد، لایه گرایشات و خلقیات فرهنگی، لایه دیگری است که حوزه باید در آن به کنشگری فرهنگی بپردازد. با توجه به میراث متراکم اخلاقی موجود در سنت حوزوی، کنشگری در این حوزه جزء مهم ترین مزیت های نهاد حوزه به شمار می رود. بر این اساس، «بخش عمده ای از گستره فعالیت مجاهد فرهنگی، دعوت به تهذیب نفس و اخلاق اسلامی است. «اهمیت توجه به این لایه از فرهنگ، زمانی روشن تر می شود که به تلاش های دشمن، به مثابه مهاجم فرهنگی، در این عرصه برای تغییر گرایش های نسل جوان — بدون آنکه الزاماً منشأ این تغییر، تحولی در پیش های آنان باشد — توجه شود. ایجاد تحولی عمیق و ماندگار در این لایه، مستلزم شرایط و لوازم خاصی است. بر این اساس، «اخلاص در عمل و بستن راه بر وسوسه مال و نام و مقام، کلید ورود به فضای دلنواز معنویت و حقیقت است و چنین است که کار دشوار مجاهدت فرهنگی، وظیفه ای شیرین و حرکتی اثرگذار خواهد شد.»

با توجه به نکاتی که پیش تر گفته شد، ایفا نقش فرهنگی اهالی حوزه در دو ساحت پیش و گرایش، زمینه اثرگذاری آنان را در کنش های فرهنگی جامعه فراهم می سازد. در چنین شرایطی، حوزه باید به وجه سوم مأموریت خود در میدان فرهنگ، یعنی تبیین «سبک زندگی اسلامی» در «انفاسی هجوم کفر» توجه کرده و برای تحقق این اقدام کند. در پایان، باید یاد دیگر تأکید کرد که بر اساس اندیشه فرهنگی آیت الله خامنه ای، فرایند «هدایتگری» و «باغبانی فرهنگی جامعه» تنها در سایه صیانت از امنیت و استقلال فرهنگی از یک سو و کنشگری ایجابی و فعالانه برای رشد و تعالی آن از سوی دیگر، معنا می یابد. از آنجا که در نگاه ایشان، با تحول تاریخ بر دوش عاملیت انسانی قرار دارد، تحقق این مأموریت ها بدون «پروش مجاهد فرهنگی» ممکن نخواهد بود. از این رو، تربیت نیروی انسانی مؤمن، آگاه، خدغه مند و مسئول در میدان فرهنگ، پیش شرط اصلی حفظ و شکوفایی حیات فرهنگی جامعه به شمار می رود.

پیش نوشت

۱. بیانات در خطبه اول نماز جمعه، ۱۳۶۴/۴/۱۴
۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۱/۹/۱۵
۳. بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷
۴. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۳
۵. بیانات به مناسبت نخستین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب، ۱۳۶۴/۹/۱۶